



واعظ آشتیانی در گفت و گو با همدلی:

دولت در جراحی اقتصادی به انتقادات توجه کند

چهارشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۱ _ ۲۳ شوال ۱۴۴۳_ ۲۵ مه ۲۰۲۲

شهر

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



رئیس صداوسیما در پاسخ به دانشجویان:

بازگشت فر دوسی پور تنها با امضای من نیست

سال ششم _ شماره ۱۹۴۲ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

مردم آبادان تاوان امضای چه کسانی را می دهند؟



ولایت‌الله شجاع پوریان مدیرمسئول

در بهمن سال ۹۵ به دنبال سیل ویرانگر جنوب در یادداشتی به مشکلات و کمبودهای استان زرخیز خوزستان پرداخته و نوشتم که امروز به استانی بلاخیز تبدیل شده است و تأکید کردم مشکلات خوزستان، مشکلاتی ملی و فراجهانی است و حل و چاره آن نیز عزمی ملی می‌طلبد؛ همچنین اشاره شد مشکل خوزستان فقط سیلاب نیست و تأکید گردید از منظر منافع ملی که هم باشد خوزستان را فراموش نکنید، این استان مشکلات ساختاری و کلان زیادی دارد که اگر از آن غفلت شود به نابودی آن می‌انجامد. در فروردین ۹۸ یازهم سیل و بی‌تدبیری مسئولان زخم‌های پنهان و پیدای خوزستان را باز کرد و باز از کمبودهای آن نوشتیم و چالش‌ها و راهکارها؛ که البته انگار نه گوش شنوایی وجود داشت و نه فریادرسی و نه دغدغهای برای آن!

در بهمن سال ۹۸ در یادداشتی آوردم حال خوزستان خوب نیست، و از ظرفیت‌های عظیم اقتصادی، اقلیمی، فرهنگی، تمدنی و نیروی انسانی خوزستان سخن رفت و به این پرسش پرداختم که چرا خوزستان با این ظرفیت‌ها به یکی از پرچالش‌ترین استان‌های کشور از لحاظ امنیتی تبدیل شده است؟ پرسیده بودم چرا خوزستان باید به کانون عضوگیری معاندان و مخالفان نظام تبدیل شود؟

و هر بار نوشتیم و نوشتیم و دریغ از ذره‌ای توجه و رسیدگی و هر بار داغی تازه‌تر قلمبان را جریحه‌دار کرد و امیدمان را ناامید امروز مانده‌ایم از کدام درد خوزستان بنویسیم؟ ریزگردهایش که سال‌هاست نعمت نفس کشیدن را از مردمان مظلوم و نجیبش سلب کرده، از سیل‌هایی که هر بار تکهای از خوزستان را دفن می‌کند؛ از بیسکاری و فقر و اعتیاد، از بی‌آبی و فرصت‌های نابرابر، به‌راستی که زبان بازمی‌ماند از بیان این همه مصیبت و بی‌تدبیری و بلا در سرزمینی که هر ذره خاکش سرشار موهبت‌ها و نعمات خداوندی است. مگر می‌توان در چنین بهشتی که مالشان تلف نشد، چه برجای گذاشت؟!

این روزها باز هم مصیبتی دیگر، مردمان این دیار را داغدار کرده است، این بار نه خشم طبیعت بلکه آتش بی‌تدبیری و فساد در گوشه‌ای از این دیار خود را نشان داد. در فاجعه فروریختن ساختمانی در آبادان که نوساز هم به حساب می‌آمد چه خانوادهایی که عزیزانشان را از دست دادند، چه خانواده‌هایی که مالشان تلف نشد، چه امیدهایی که از مردم خسته و امانده این شهر گرفته نشد.

تصاویر ارسالی نشان‌دهنده آوار اضطراب و تلنبار ناامیدی بر جان‌های خسته مردمان این شهر است؛ شهری که روزگاری به‌درستی آبادان خوانده می‌شد. اینک اما شاهیته نام خود ندارد

بارها دلسوزان هشدار داده‌اند که از فساد و بی‌تدبیری، چیزی جز ویرانی حاصل نمی‌شود. محصولی در امروز در خوزستان به بار نشسته معلول دهه‌ها بی‌تدبیری و تصمیمات غلط و اشتباه و رانت و فساد و بی‌توجهی به نظرات کارشناسی است؛ اگر سال‌ها ترس از زمین، مردمان جنوب را آزار می‌داد، امروز ساختمان‌های ناایمن و غیراستاندارد هر کدام به‌مثابه بمبی ساعتی در هر گوشه این استان و البته سراسر کشور شمارش معکوس خود را آغاز کرده‌اند و جان مردم را تهدید می‌کند. از زیر آوار این ساختمان‌هاست که اندک‌اندک زیر زمین‌های غیر کارشناسی و زودبندهای مافیای بی‌باند‌های قدرت و ثروت، بیرون می‌آید و خساراتش را در مناطق مختلف به رخ می‌کشد.

دیروز آبادان در سالروز آزادی خرمشهر داغدار شد تا باز هم تلنگری باشد برای مسئولان که بی‌تدبیری هزینه دارد، مدرک‌گرایی، فساد، رانت، ترجیح رابطه بر ضابطه، همایش‌های تشریفاتی و لوح‌ها و القاب سفارشی روزی روزگاری آثارش هویدا می‌شود؛ آبادان داغدار شد تا مدیران شهری، مهندسان ساختمانی، اعضای شوراهای شهروستا و مسئولان بدانند هر امضایی تاوانی دارد، تاوانی به‌اندازه داغدار شدن آبادان، عازدار شدن ایران.



واقعیت‌های پنهان در زیر آوار آبادان

«متخصصان از یک سال پیش درباره احتمال فروریزی هشدار داده بودند» نظام مهندسی مجوز پایان کار برج را امضا نکرده بود» مالک برج مجوز پایان کار را از شهردار وقت آبادان گرفت «ادامه تلاش‌ها برای نجات ۵۰ نفر محبوس در زیر آوار» وجود ابهاماتی پیرامون مرگ حسین عبدالباقی

عکس: تسنیم

جیغ بنفش در هوای آلوده تهران

پشت پرده و پیامدهای خبر ممنوعیت واردات آیفون

شهادت دو خلبان در سقوط جنگنده شکاری در اصفهان

عربستان: دست‌مان به سوی ایران دراز است

افزایش تمایل برای فروش در بازار مسکن

- ← کوناگون
- تهدید بزرگ حیات در مریخ برای زمین **تأیید شد**
- خانه‌گره‌ها در حاشیه‌نمایشگاه کتاب
- وقتی شبیه‌هم نیستیم، شناخت ممنوع!
- یک شبه سلبریتی می‌شوید و یک شبه هم فراموش
- روزی که نفت از مسجد سلیمان فوران کرد

آوار آبادان؛ تجلی دو گلوگاه فساد در شهرداری‌ها

معرف لایق زاده شهردار

ساعاتی پس از وقوع حادثه ناگوار آبادان شاهد انتشار و باز نشر گسترده اسناد، تصاویر، فیلم‌ها و تحلیل‌هایی در شبکه‌های اجتماعی بودیم که غالباً علت‌العلل ریزش این بنا را فساد شهرداران، اعضای شوراهای شهر و پیمانکار و سازنده بنا معرفی و تحلیل می‌کردند. واقعیت آن است که تفکیک‌گرایی صورت گرفته در این رابطه و تنزل علل وقوع این حادثه به چند شخص متخلف مورد اشاره، به‌واقع ناشی از عدم شناخت توده و همچنین بخش اعظم متخصصان حوزه شهر و شهرداری‌ها در ایران است. این عدم شناخت و به دنبال آن تحلیل‌های سطحی را به‌صراحت می‌توان با طرح دو پرسش بنیادین عیان کرد و به چالش کشید: سؤالاتی که هر قاضی منصفی را قانع می‌کند، که ریشه فاجعه آبادان را در ساختار معیوب شهرداری‌ها می‌باید تحلیل و جستجو کرد. ۱. چرا سازنده پرنفوذ این پروژه علیرغم گزارش‌های ناظر پروژه و سازمان نظام‌مهندسی آبادان با فراغ بال به ساخت این بنا ادامه داد؟ ۲. چرا با وجود انتشار تخلفات صورت گرفته در ساخت متروپل آبادان در رسانه‌های محلی و علیرغم تذکرات ناظر پروژه و سازمان نظام‌مهندسی آبادان شاهد هیچ کنش مثبتی از سوی مدیران ستادی، معاونان و کارکنان شهرداری آبادان در ارتباط با تخلف شهرداری در عدم انجام مسئولیت حاکمیتی به پشتوانه بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، نبودیم؟ آری؛ علل ریزش ساختمان متروپل، سکوت کارکنان شهرداری و شهردار در برابر تخلفات سازنده و خیال آسوده ایشان و ادامه روند ساخت‌وساز این بنا را در دو گلوگاه فساد در شهرداری‌های ایران می‌باید ریشه‌یابی و تحلیل کرد. این دو گلوگاه مستند به پژوهش‌های معتبر داخلی به‌اختصار عبارت‌اند از وابستگی بیش‌ازحد شهرداری‌ها به عوارض ساختمانی و همچنین ساختار معیوب و فسادزای حوزه منابع انسانی شهرداری‌های ایران. بعد از قطع وابستگی شهرداری‌ها به منابع دولتی شوربختانه منبعی جایگزین آن شد که مولد تخلف و فساد در شهرداری‌ها شد، این وابستگی به منابع ناپایدار سبب شد تا سازندگان پرنفوذ و بعضاً تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در شهرداری‌ها در هر مکانی،

آسیب‌شناسی فاجعه «متروپل»

مصاحبه صلاح‌الدین هرسنی تحلیلگر مسائل سیاسی

ساده‌انگاری است اگر بخواهیم عبدالباقی و کسانی چون او را علت قریب فاجعه متروپل در آبادان بدانیم؛ آن‌ها دیگر علت بعید ماجرا و فاجعه هستند. علت قریب فاجعه متروپل آبادان حاصل یک سیستم فشل تخصص‌ستیز و حاصل تبتانی سودجویان و تک‌اثرطلبان سودانگار و در نهایت نتیجه یک فساد سیستماتیک یعنی زودبند، رشوه، زیرمیزی و رابطه‌گرایی بی‌پایان در عرصه‌های عمرانی و سازه‌ای در یک نظام اداری است. این هم‌اکنون ناپیوستگی و فاجحی است که اگر هم کسانی بخواهند برای تحلیل ساده مسائل و ایجاد حالت اقتناع در افکار عمومی حادثه متروپل آبادان را به فاجعه پلاسکو مانند و شبیه کنند. اگر کسانی این قصد را در سر دارند، یقین بدانند که سخت در اشتباه هستند. ساختمان پلاسکو در زمان احداث خود به‌عنوان یکی از نخستین آسمان‌خراش‌ها و ساختمان‌های مدرن خاورمیانه یاد می‌شد و صلابت به مجریان و پیمانکارانش کسانی چون عبدالباقی نبودند. به جرات می‌توان گفت که میان فاجعه متروپل با تمایل زایدالوصف برخی از افراد آن‌هم بدون گذشتن از فیلتر شایسته‌سالاری و تخصص در ورود به شوراهای و شهرداری‌ها یک رابطه معناداری وجود دارد. این سؤال همیشه خود را نشان داده است که چرا برخی از افراد هزینه‌هایی گزافی را خرج می‌کنند تا با ورود به شوراهای و شهرداری برای آوار شدن چنین ساختمان‌هایی بر سر مردم مجبور صادر کنند؟ در ضمن مگر نظام غیر کارآمد و تخصص‌ستیز اداری فقط به فجایعی چون متروپل آبادان و فاجعه ترازیک پلاسکو محدود و خلاصه می‌شود؟ شما نگاهی بیندازید و لحظه‌ای فکر کنید که از منظر ترافیک شهری چه بلایی بر سر کلان‌شهرها، شهرها و حتی محلات کوچک خود آوردیم؟ ترافیک ارابه‌های مرگ در خیابان‌ها، معابر و گذرگاه‌ها همانند کرم تن ایوب در خود می‌ولند و سوهان روح و سبب رنده شدن اعصاب می‌شوند، ساخته‌وپرداخته چه کسانی است؟ چرا از خود نمی‌پرسیم چه ضرورتی داشت که از کلان‌شهر، جنگل‌هایی از بتن و سیمان و شهر بی‌دفاع به هنگام بحران بسازیم؟ آیا هیچ‌گاه فکر کرده‌اید چرا در مسیر نشستن و برخاستن هواپیماها در برخی از شهرستان‌ها و شهرها، برج هفت‌طبقه ساخته‌شده است؟ چرا در شمال تهران که طبق گزارش مرکز زلزله‌نگاری کشور دارای گسل‌های زلزله‌ای است، برج‌های ۵۰ یا ۶۰ طبقه‌ای می‌سازیم؟ مجوز ساخت‌وساز این برج‌ها را چه کسانی صادر می‌کنند و چگونه است که کاربری اراضی کشاورزی به کرار و طبق قاعده فاجعه دردناکی از سوی فساد سازمان‌یافته و آلوده به رشوه نظام اداری بر مردم شریف و میهن‌دوست آبادان وارد شده است؟

یادداشت

ساعاتی مردم شجاع و فهیم استان خوزستان در سبوم خرداد باید حماسه آزادسازی خرمشهر را هر چند به‌صورت نمادین و سمبلیک در جهت پاسداشت و یادمان مجاهدات نستوه و بی‌ملاک رزمندگانی چون محمد جهان‌آرا و هم‌زمان دیگرش جشن بگیرند، اما در آستانه سوم خرداد یعنی روز دوشنبه خبر رسید که برج نیمه‌کاره ۱۰ طبقه (متروپل) در خیابان امیری آبادان به دلایل نامعلومی فروریخت. آن‌گونه که خبرگزاری‌های اعلام کرده‌اند، این حادثه تا لحظه نگارش این یادداشت ۱۱ کشته و ۳۹ مصدوم بر جا گذاشته است. در پی این حادثه تأسفبار آن‌هم در شرایطی که مردم خوزستان در سال‌های اخیر تجارب تلخ و شرنگ باری را در سیل ۹۸، بحران کم‌آبی ۱۴۰۰ و بزرگ‌ترین فاجعه زست‌محیطی سال‌های اخیر یعنی بحران ریزگردها را پشت سر گذاشته‌اند، این رخداد ترازیک و مصیبت‌ظلمایی است که درد و جراحات آن را بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران. حال و اگر چه طبیعی بود که مالک این برج به جهت ایجاد این فضاحت و فاجعه انسانی از سوی مراجع ذی‌ربط دستگیر شود، اما بیشترین نگاه‌ها متوجه مجریان طرح و پیمانکار این برج بوده به این معنی که چه کسی و کدام پیمانکار اجرای ساخت برج متروپل آبادان را عهده‌دار بوده است؟ همان‌گونه که انتظار می‌رفت پیمانکار این برج فردی است که از او در نظام‌مهندسی و ساخت‌وساز، به‌عنوان یک پیمانکار با سابقه نام‌برده می‌شود به‌گونه‌ای که او توانست در دولت روحانی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت به‌عنوان چهره ماندگار صنعت ساختمان معرفی شود و حتی لوح تقدیر بگیرد! به‌ر تقدیر حادثه متروپل آبادان هر چه بوده اتفاق افتاده و گریزی هم از پذیرش واقعیت‌های جاری مرتبط با آن نیست؛ اما باین‌همه پای یک پرسش به میان می‌آید که عبدالباقی و عبدالباقی‌های دیگر محصول شرایط و تحمیل چه سیستمی هستند؟ آیا عبدالباقی‌ها علت بعید این فاجعه هستند یا علت قریب آن؟ یا آنکه بخواهیم او را مأمور نظام سلطه و اینتلجنس سرویس انگلستان در ایجاد فاجعه برای مردم شریف خوزستان به جهت تلاقی و پاسخ به رشادت‌های رئیس‌علی دلواری‌ها و محمد جهان‌آراها و هم‌زمان او در جنگ با صدام علفی و بعضی بدانیم؟ آیا محمد جهان‌آراها می‌دانند که در سالروز حماسه آزادی خرمشهر چه فاجعه دردناکی از سوی فساد سازمان‌یافته و آلوده به رشوه نظام اداری بر مردم شریف و میهن‌دوست آبادان وارد شده است؟

یادداشت

فروریزی «متروپل» به‌مثابه نوک کوه یخ

حسن دادخواه مدرس دانشگاه

بی‌گمان از فردای پس از فروریزی یک ساختمان تازه‌ساز و ۱۰ طبقه، سوزه‌ای نو و جدید در شبکه‌های اجتماعی برای بیانیه‌های شباب‌زده، به دنبال قاضران بازتاب خبر و گزارش و نقد و انتقادهای نهفته، دست‌انویز قرار می‌گیرد و از سویی دیگر، نهادهای نظارتی و قضایی با صدور بیانیه‌های شباب‌زده، به دنبال قاضران و مقصران می‌افتند و متأسفانه به‌سوی گواهی‌های ارزشمند و همدردی با خانواده‌های آنان می‌نشینیم. چندی پیش فیلمی از نطق آتشین نماینده شهر آبادان بودیم؛ شهری که روزگاری دارای مدرن‌ترین سازه‌ها در سطح منطقه بود و امروز، سازه‌ای نوساز در این شهر، نتوانست سنگینی تنها ۱۰ طبقه را تحمل کند! شاید به نظر رسد که اتفاقات و رخدادها، چه‌بسا هیچ ارتباطی با یکدیگر نمی‌توانند داشته باشند و رابطه علی و معلولی آنی و لحظه‌ای میان آن‌ها نتوان یافت. ولی اگر مجموعه حرکات و سکنات، سیاست‌ها و برنامه‌ها و گفتمان‌های جاری در یک جامعه را در کنار هم قرار دهیم و همه را در بازه زمانی بلندتر و طولانی‌تر پایش کنیم، بی‌گمان رابطه علی و معلولی میان پدیده‌ها و حوادث و رخ دادها به‌روشنی دیده خواهد شد. بلا تکلیفی در سیاست خارجی، تعلیق ارتباط سازنده با جهان، بلا تکلیفی در اتخاذ برنامه و مدل اقتصادی کارآمد برای کشور و به کنار راندن و حذف نیروهای دل‌سوز و توانا به بهانه‌های تفکر متفاوت آنان، دست‌به‌دست هم داده است و در همه سطوح و دستگاه‌ها و امورات کشور، موجبات فرسودگی، عقب‌ماندگی، ناتوانی و ترویج انواع فسادها را به‌طور خزنده به ارمان آورده است. فروریزی یک سازه تازه‌ساز، جز نشانی از عدم نظارت و چشم‌پوشی‌های قانونی و عدم رعایت آیین‌نامه‌های فنی نمی‌تواند باشد. این فروریزی، نوک کوه یخی است از فروریزی اخلاقی، اعتماد اجتماعی و ناپدیده گرفتن مستمر حقوق ملت که هرازگاهی در گوشه و کنار شهرهای ایران سر بیرون می‌آورد.